

نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و چهارم - شماره ۹۹۹

سه شنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۱ ۸ صفحه - ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

ای شیعه زنو زن بر سینه و بر سر

واویلا

شد غرق در خون داماد پیامبر

ویژه نامه سینه زنی سنتی در بوشهر

سپاسگزاری

با احترام، بدینوسیله سپاس بیکران خود را از حضور به موقع، وظیفه شناسی، و نهایت تلاش پزشکان، پرستاران و تمامی اعضاء و کادر درمان بخش سی سی یو ۱ بیمارستان قلب بوشهر، به ویژه جناب آقای دکتر محمدرضا پوربهی متخصص قلب، جناب آقای مهدی مصطفوی سوپروایزر اتاق عمل، سرکار خانم دکتر مولوی، جناب آقای موسوی و سرکار خانم فاطمه دهقان سرپرستار و همه ی پرستاران و کادر درمان، این فرشتگان زمینی، که برای بازگرداندن زندگی به من، نهایت تلاش نموده و شبانه روز از هیچ کوششی فروگذار ننمودند، با نهایت ادب و احترام و افتخار، سپاسگزاری می نمایم و برای یکایک این عزیزان تندرستی، شادی و بهترین ها آرزومندم.

«غلامرضا ایزدپناهی»



جاودان اوست

ابرهای خبر این‌بار چه بارانی بود ...

«علی پیرمرادی» خبرنگار محبوب و محجوب دشتستانی در پایان شبی غمناک چشم‌هایش را از رنج و غربت کلمات برداشت و رو به آفاق آبی رهایی گشود.

هم او که یار تنهایی و غربت و اندوه بود، و با عشق و مهربانی رفیق شفیق؛ و با همین عشق بود که جان تابناکش را در بطن و متن خبر غرق و با درد و آلام مردمان کوچه و بازار همراه می‌کرد.

بیش از ۵ دهه فعالیت رسانه‌ای و آیینه درد و اندوهان مردم بودن، از علی پیرمرادی، انسانی شریف و محبوب ساخته بود که با همه فروتنی، همیشه در صدر اخبار قلب‌ها و یادها و خاطره‌ها جاخوش کرده بود.

خانه مطبوعات و رسانه‌های استان بوشهر درگذشت ناگهانی این خبرنگار نجیب و محجوب را به خانواده گرامی وی و جامعه رسانه‌ای استان تسلیت می‌گوید، و از خداوند بزرگ مسئلت دارد تا روح بزرگ علی آقای پیرمرادی را در جوار جویبارهای جاری جنت در آرامش و شادکامی قرار دهد. ان‌شاالله.

«خانه مطبوعات و رسانه‌های استان بوشهر»

کارآفرینی فارغ التحصیلان دانشگاه و مشکلات راه اندازی کارخانه تولید آب آشامیدنی در بوشهر

محسن علیپور: بر اساس تاکیدات مسئولین مبنی بر تولید و کارآفرینی و از آن جا که کار دولتی برای فارغ التحصیلان عملا غیر ممکن شده است، ما دونفر از فارغ التحصیلان در رشته های فنی از دانشگاه دولتی خلیج فارس با توجه به مشکلات مالی و با وام و تحمل مشکلات فراوان برای اخذ مجوزها که یک سال طول کشید، مبادرت به راه اندازی کارخانه تولید آب آشامیدنی یک و نیم و نیم لیتری کردیم. در همین حین مواجه با پدیده شوم کرونا شدیم. اما با هر بدبختی بود این واحد تولیدی را به مرحله بهره برداری رساندیم و خوشحال از این که زحمات ما نتیجه بخش بوده است و می توانیم از پس پرداخت قسط هایمان سربلند بیرون بیائیم که ناگهان با مشکل جدیدی از اداره آب استان مواجه شدیم و آن این که اعلام کردند یا باید از قبل حجم آب مصرفی را خریداری کنید که مبلغ حدود دویست میلیون تومان محاسبه شد و یا آب شما قطع خواهد شد.

برای حل مشکل به هر دری زدیم فایده ای نبخشید از معاونین استاندار گرفته تا نماینده ولی فقیه و... تا این که مدیران مربوطه در اداره آب استان گفتند چرا از همه جا به ما زنگ می زنند، و همین که هست و با این برخورد آه از نهادمان بلند شد که چه قدر اشتباه کردیم به دنبال کار تولیدی رفتیم. اداره آب مرتب خصوصی بودن خود را به رخ ما می کشید که ما فقط به درآمد خودمان فکر می کنیم و مطابق بخشنامه عمل می کنیم. ما که دیگر حتی توان وام گرفتن نداشتیم و دار و ندارمان را هزینه کرده بودیم و به هر دری زدیم به رویمان بسته بود، آه از نهادمان بلند شد و ناامید با خودمان نجوا کردیم که چه اشتباه بزرگی کردیم. اکنون مائیم کارخانه ای که در سوله ای اجاره ای است و وام هایی که توان پرداخت قسط هایش را نداریم و مواد اولیه ای که رو دستمان مانده است. اکنون این کارخانه را برای فروش اعلام کرده ایم و مشمول این ضرب المثل شده ایم که «آش نخورده و دهان سوخته» و اکنون این آخرین اقدام ماست تا با انتشار آن شاید دادخواهی باشد.

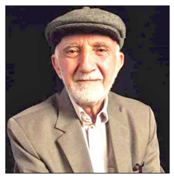


بازگشت همه بسوی خداست

اصغر بارانی از کارگردانان فعال دهه هفتاد تئاتر بوشهر، چشم از جهان فروبست. درگذشت ایشان را خدمت خانواده محترم و کلیه بازماندگان تسلیت عرض می کنیم. روحش شاد و یادش همواره گرامی باد.

«انجمن هنرهای نمایشی استان بوشهر»

شماره نهصد و نود و نه نسیم جنوب و ۹۹۹ هزار سند ملی استان بوشهر



عبدالکریم نیسنی:

آورده اند که در زمان شاه عباس صفوی هنگام ساخت و احداث کاروانسرای در بین راههای مواصلاتی آن زمان به مشاوران خود دستور ساخت یک هزار کاروانسرای را صادر نمود، اما مشاوران گفتند حضرت والا بیائیم به جای هزار، ۹۹۹ را که فراوانی دارد به ساخت و ساز کاروانسرا اختصاص دهیم، زیرا هزار فقط یک بار تلفظ می کنیم، اما ۹۹۹ در نزد عامه سه بار به خوبی یاد می گردد.

اما این بماند که حال امروز خوش و سرخوش که می بینیم نشریه دیرپای استان بوشهر یعنی نسیم جنوب بوشهر بعد از ۲۵ سال تلاش در ساخت و پرداخت نشریه ای قابل قبول و اعتماد و اطمینان جامعه ادبی در دسترس خاص قرار گرفته است و امروز در حیات خود به همان فراوانی ۹۹۹ رسیده است که یکی از هزار کم دارد و ۲۵ سال مسلسل وار به حیات ادبی خود ادامه داده است.

نشریه ای که «آتشی ها» و «آرش نیاها» به ساخت و ساز و توسعه آن دل بستند و از لابلای ۲۵ سال خدمت این نشریه به جامعه فرهنگی استان بوشهر که همگی می شود گفت یک سند تاریخی ملی را بازگو می‌نماید، آرشیو بی نظیری را در خود جای داده است.

از جمله اهداف و منشور این نشریه احقاق حقوق شهروندی و ارزیابی مسئولین خوب و بد، برخورداری از فضای خوب ادبی، تداوم نشست های «دوشنبه های ادبی نسیم جنوب» که مرحوم منوچهر آتشی بنیان گذار آن بود و آرش نیا پشتیبان آن که خود پدیده ای فرهنگی را به وجود آورد که در این راه شاعر و شاعره‌های خوبی در عرصه هنر عرضه شدند و این بود که خودشان گفته اند، نسیم جنوب بوشهر مجموعه ای از دیار نخلستان های بلند و شروه های شیوایی فایز در دریایی ترین شهر جهان به شمار می رود و انتشار آن با فراز و نشیب هایی هم همراه بوده است.

یکی از ویژگی های مهم نسیم جنوب، باور داشتن و میدان دادن به دختران جوان برای تجربه اندوزی و فعالیت خبرنگاری بود که با مدیریت نسیم فقیه (همسر یونس قیصی زاده) در دفتر هفته نامه فراهم شد و دختران جوان خبرنگاری از جمله مهرنوش ذوالفقاری، الهام قوی پیکر، سمانه رحمتی، مریم قاسمی، طاهره نظری، الهه ملاح منفرد، بهاره عالی پور و راحله رستمی و... در این مدت در فضای خبرنگاری رشد کردند و آثار خوبی از آنها در نسیم جنوب به چاپ رسید.



همچنین در بیست و پنج سالگی نسیم جنوب یاد همراهان نسیم جنوب که اکنون در میان ما نیستند از جمله مرحومان منوچهر آتشی، عبدالرحیم جعفری، محمد بیابانی، ضیاء جمالی، زرتشت دوانی، محسن شریف، قاسم مهدی زاده، محمد حسن آرش نیا، تیمور ترنج، ماشاله رضازاده، حسن زنگنه، عبدالحسین شریفیان، ایرج شمسی زاده و فرج کمالی و... گرامی می داریم.

تعطیلی ناگهانی خط اتوبوسرانی و سرگردانی مسافران بوشهر - عالیشهر

توقف ناگهانی خط اتوبوسرانی بوشهر به عالیشهر مورد انتقاد جدی مسافران این مسیر قرار گرفته است. این مسافران خواستار ورود فرماندار و شهردار برای رفع این مشکل شدند.

اما گویا شهرداری قصدی برای راه اندازی مجدد این اتوبوس ها ندارد بطوری که فرماندار بوشهر در مصاحبه با ایرنا گفت: جلسه‌ای با این موضوع با حضور شهرداری بوشهر و مسئولان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای بوشهر برگزار شد اما شهرداری اعلام کرد که با توجه به ظرفیت اتوبوسرانی این شهرستان و بازگشایی مدارس امکان اختصاص یک خط به مسیر عالیشهر وجود ندارد.

تلاش فرماندار بوشهر برای متقاعد کردن مسئولان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای نیز بی فایده بوده بطوری که آنان نیز به فرماندار گفته اند که راهداری و حمل و نقل جاده‌ای نیز ظرفیتی برای به کارگیری در این مسیر ندارد.

با توجه به پایان قرار داد پیمانکار خصوصی، فرماندار بوشهر در این شرایط به دنبال راضی کردن وی برای ادامه کار هست گرچه پای شورا و شهرداری عالیشهر را هم وسط کشیده و گفته است: لازم است شورای شهر و شهرداری عالیشهر نیز به بخش خصوصی کمک کنند تا در کمترین زمان ممکن خدمت‌رسانی به مردم این شهر از سر گرفته شود.

معلوم نیست در حالی که شورا و شهرداری بوشهر از عهده راه اندازی ادامه به کار خط اتوبوسرانی بوشهر - عالیشهر بر نمی آیند، شورا و شهرداری عالیشهر چگونه و با چه بودجه ای می خواهند این خط اتوبوسرانی را برقرار کنند!

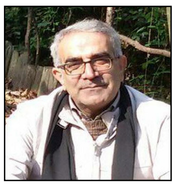
فرماندار بوشهر که در برابر اولین چالش مدیریتی خود در این سمت قرار گرفته قول مساعد داده که همه توان خود را برای برقراری این خط اتوبوسرانی به کار می گیرد و گفته است: مساله توقف خط اتوبوس‌رانی و مشکلات ایجاد شده در این زمینه به طور ویژه در دستور کار قرار دارد و همه توان فرمانداری برای حل این مشکل به کار گرفته می‌شود.

مسافران بوشهر - عالیشهر منتظرند که هر چه زودتر برای راه اندازی مجدد این خط اتوبوسرانی چاره ای اندیشیده شود و امیدواریم انتظار آنها به درازا نکشد.

شهر جدید عالیشهر در ۲۰ کیلومتری شرق بوشهر قرار دارد و بسیاری از ساکنان آن در شهر بوشهر اشتغال دارند، تعطیلی خط اتوبوسرانی عالیشهر به بوشهر باعث افزایش هزینه تردد، سرگردانی و گلایه اهالی این شهر جدید شده است.

بیداد فقر در حاشیه شهر بدون گدا

دکتر سعید معدنی



در خبرها خواندم که علی‌رضا منادی نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی گفته است: "فقر در حاشیه‌های تبریز بی‌داد می‌کند" این نماینده مجلس در ادامه افزوده: "امروز برخی از مردم با قاشق روغن تهیه می‌کنند و نان قسطی می‌خرند"

دقت کردید درباره کدام شهر سخن می گوید. درباره تبریز. تبریزی که دهه‌هاست " شهر بدون گدا"محسوب می‌شود. الان نمی‌دانم اما سال‌ها قبل در ورودی‌های شهر تبریز نوشته بودند "به شهر بدون گدا خوش آمدید" و توصیه می‌کردند اگر مردم گدایی را مشاهده کردند به فلان موسسه یا خیریه اطلاع دهند و ما ایرانیان به داشتن چنین شهری همواره افتخار می کردیم.

با خود می‌اندیشم اگر در آذربایجان و تبریز که یک استان و شهر پربارش و پرمحصول، پیشرفته، و توسعه یافته - در قیاس با سایر استان‌ها- می‌باشد، وضع این چنین است، وضع مردمان سایر مناطق کشور چگونه است؟ خدا کند این فقر جانکاه که سالهاست و بتدریج در شهرها و روستاهای ایرانی گسترش یافته، و هر روز دامن بسیاری از اقشار جامعه را می گیرد کاهش یابد.

نماینده تبریز در مجلس "از سرمایه داران و متموّلین این شهر خواسته به فقرا کمک کنند"، اگر چه این کار خوب است ولی ایشان نماینده مجلس است باید بداند وضع مردم -تا حدودی- با کمک خیرین درست می‌شود.

نمایندگان مجلس باید بدانند که دهه‌هاست کارشناسان فریاد می‌زنند تنها راه رونق اقتصادی، تنش‌زدایی با جهان به ویژه جهان غرب، جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی، ترمیم زیرساخت‌های اقتصادی، ایجاد اشتغال است. تا چنین نشود فقر در آذربایجان و تبریز عزیز و همه ایران روز به روز فاجعه‌آمیزتر خواهد شد.

حق مناطق جنگی به حقوق کارمندان سه شهر استان بوشهر باز می گردد

نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی گفت: با پیگیری‌های مکرر و مذاکره های متعدد با وزارت دفاع، ستاد کل نیروهای مسلح با برگزاری جلسه های کارشناسی حق مناطق عملیاتی را به کارمندان شهرهای بوشهر، گناوه و دیلم باز می‌گرداند. به گزارش ایرنا، این موضوع از سوی ستاد کل نیروهای مسلح به سازمان برنامه و بودجه ابلاغ شده و با طی مراحل اداری بزودی عملیاتی و در حکم کارگزینی کارمندان شاغل در این شهرها لحاظ می‌شود. در نامه‌ای که پیش از این نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی خطاب به سرلشکر باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح نوشته بود، با اشاره به نقش استان بوشهر به عنوان یکی از استان های پشتیبانی کننده در دوران دفاع مقدس ، به تاثیر منفی اقدام ستاد کل نیروهای مسلح در حذف استان بوشهر از مناطق عملیاتی اشاره شده بود: براساس تعریف اعلام شده در نامه سال ۱۳۹۶ ستاد کل نیروهای مسلح بخشی از خواسته های مردم صبور این دیار مبنی بر توجه شایسته‌تر مسئولان به این نقطه محروم از کشور محقق شده بود و براساس آن نیز دستگاه‌های اجرایی نسبت به صدور حکم‌های کارگزینی بیش از ۱۳ هزار کارمند خود با موضوع بهره گیری از تسهیلات پیش بینی شده ناشی از این تعریف اقدام کرده بودند و تعریف جدید در نامه ابلاغی سال ۹۹ موجب بروز تبعات اجتماعی منفی در بین کارکنان خدوم دولت در استان بوشهر شده است.

نوحه لبالب و چند روایت از بوشهر تا خوزستان

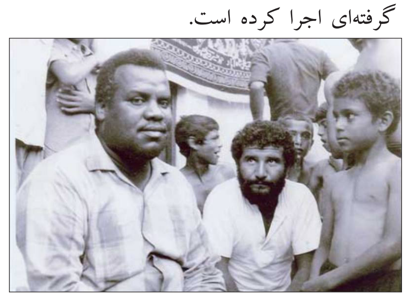
یاسین محمدی



قسمت اول: ناخدا عباس دریانورد نوحه لبالب را بر اساس تضمین غزلی از حافظ در حدود صد سال پیش سروده و خودخوانده است. ناخدا عباس تا سال ۱۳۰۶ خورشیدی در بوشهر سکونت داشت و پس از آن برای توسعه خور موسی (بندر شاهپور قدیم و بندر امام فعلی) به خوزستان مأمور می‌شود و تا آخر عمر خود در سال ۱۳۳۳ خورشیدی در اهواز باقی می‌ماند. ناخدا عباس بوشهر اگر بود و روی دریا نبود، در محله شنبدی نوحه می‌خواند، او که



در دوره پهلوی اول ناخدای کشتی‌های پرسپولیس و مظفری و ... بود، نوحه‌سرا و نوحه‌خوانِ برجسته‌ای در بوشهر به‌حساب می‌آید که احتمالاً تأثیرگذارترین فرد در شکل‌گیری چنین فرمی از سینه‌زنی و نوحه‌خوانی باشد. به زبان‌های هندی عربی انگلیسی آشنایی داشت، و از ۱۲ سالگی به سفر اقیانوس رفته است. سندی در دست نیست که نشان دهد او توانایی نواختن سازی داشته است یا جایی اثری را نت‌نویسی کرده باشد، اما با سفرهای دور و دراز دریایی احتمالاً فرم‌های گوناگون موسیقی ملت‌های مختلف را درک کرده است. علی‌رغم زنده بودن نوحه لبالب در اذهان مردم بوشهر، پس از ناخدا عباس، کسی به‌خاطر ندارد که مرحوم علی مهیمنیان، محمد شریفیان و جهانبخش کردی زاده نوحه‌خوانان مطرح بعد از ناخدا نوحه لبالب را اجرا کرده باشند. تنها، سن و سال‌داران محله شنبدی به‌خاطر دارند که در حوالی سال ۱۳۴۱ شمسی قاسم بِنکول در غیاب محمد شریفیان، لبالب را در سینه‌زَنی محدودی در مسجد ملک در عصر روز ۲۸ صفر با صدای خش‌دار و گرفته‌ای اجرا کرده است.



اکبر اسکرووالا، به‌خاطر می‌آورد که جهانبخش کردی‌زاده در یک پنجشنبه شبی از ماه صفر در سال ۱۳۵۳ در آبدارخانه مسجد دهدشتی در جواب حمید گزی که پرسید: چرا نوحه لبالب نمی خونین؟

گفت: روایتش را از جعفر بخار شنیده‌ام، اما لبالب نوحه‌ای نیست که سینه بیاره! و همان جا هم‌زمانی که قند در چای می‌زد، نوحه را با صدای زنگ‌دارش خواند که یعنی خواندنش کاری ندارد اما تو طبعم نیست.

«سینه نمیاره» به‌اندازه کافی گویای این مطلب است که احتمالاً نوحه‌خوانان به دلیل پیچیدگی این نوحه برای سینه‌زنان، ترجیح می‌داده‌اند که از خیر خواندنش بگذرند.

سرانجام مصطفی گراشی ۲۵ ساله، همّت می کند و پس از تمرین آن چه را که سال‌ها در خاطره‌ها زنده بود، بر اساس روایتی از قاسم بِنکول نوحه‌خوان محله شنبدی و جعفر بخار که شاهدان سینه‌زنی ناخدا در مسجد نو بوده‌اند نوحه را تنظیم می کند و در آبان‌ماه سال ۱۳۶۱ در مسجد دهدشتی نیم‌قرن پس از مهاجرت ناخدا عباس آن را می‌خواند، سال بعد نیز عبدالحمید دشتی فرد، بر اساس آن چه از آقای گراشی شنیده بود و نیز روایت دختر کل حبیب سَرخون (ذاکر محله کوتی) که خود در کودکی آن را شنیده بود، در مراسم سینه‌زنی محله امام خواند که تفاوتی با آن چه آقای گراشی اجرا کرده بود، نداشت. امیر کردی زاده پسر جهانبخش کردی زاده هم در اواسط دهه ۶۰ همین روایت گراشی را در سینه محله بهبهانی به همین سبک اجرا کرد. اما آن چه که نسل ما اغلب از این نوحه به‌خاطر دارد، همین اجراهای متعدد مصطفی گراشی است که بارها در مراسم‌های سینه‌زنی و



یا در رسانه‌ها شنیده است. اما لبالب تنها به همین روایت مصطفی گراشی ختم نمی‌شود، در یکی از شب های سال ۱۳۵۹، در حیاط مسجد شنبدی در جمع محدودی، احمد رادمهر در حضور علی سیاوشی پور، لبالب را به سبک ناخدا عباس (به اصطلاح به قصد ناخدا) می خواند، و همین سبب می شود، داریوش ماهینی ۳۰ ساله در سال ۱۳۶۲ تحت تعلیم سیاوشی‌پور و تایید رادمهر، از پیش نوحه‌خوان‌های بوشهری ناخدا عباس در خوزستان، که بارها از ناخدا این نوحه را شنیده بوند، لبالب را فرا بگیرد و در سال ۱۳۶۲، آن را در مسجد شنبدی اجرا کرد که به نسبت روایت مصطفی گراشی تفاوت‌هایی داشت و بعدتر هم محسن سیاوشی پسر علی سیاوشی همین روایت را مانند ماهینی در سال‌های بعد اجرا کرد.

اما اختلاف این دو روایت از کجا برمی‌خیزد؟

سینه‌زنی در خوزستان به نسبت بوشهر دارای سرعت بیشتری بوده است. ازآن جایی که این مدل سینه‌زنيِ دایره‌ای، از بوشهر به جاهای دیگر ایران و احتمالا جهان پراکنده شده است، قدمت کمتر و تنوع قومی مردمان حاضر در این شهرها می‌تواند یکی از دلایل آن باشد، اما مهم‌تر، تعداد صف‌های بیشتر و جمعیت انبوه‌تر سینه‌زنی در بوشهر است که می‌توانند سبب حرکت آرام‌تر سینه‌زنی در بوشهر باشد. کما این که در ابتدای سال ۱۳۴۰، اکبر اسکرووالا روی دوش دایی خود، دیده که ۱۳ بُر سینه‌زن دور محمد شریفیان در شنبدی، سینه گرفته بوده‌اند!

از آن جایی که روایت‌های رادمهر و سیاوشی پور مربوطٍ به دوره نوحه‌خوانی ناخدا در خوزستان است احتمالاً این اختلاف روایت‌ها از این جا سرچشمه می‌گیرد. یعنی تفاوت سرعت سینه‌زنی، ناخدا را ناچار کرده در خوزستان تغییری در خواندن نوحه به وجود بیاورد. کما این که گراشی عقیده دارد که «این لبالبی که خوانده، روایت ناخدا در بوشهر است و نه خوزستان که او اجرا می کند». هم چنین در بوشهر این نوحه لبالب، به‌عنوان نوحه‌های اول خوانده می‌شود که سرعت سینه آرام‌تر است، اما روایت داریوش ماهینی برای اجرای نوحه زیر واحدی است که سینه سرعت بیشتری گرفته است.

علی کردی‌زاده پسر جهانبخش کردی زاده این نظر را رد می کند و اعتقاد دارد که ناخدا کسی نبوده که نوحه خود را بر اساس سرعت سینه‌زن تغییر دهد، بلکه تلاش می کند سینه‌زن‌ها را با آن هماهنگ کند، اما ریشه را در این می‌بیند که به دلیل این که از اواخر دهه چهل با زیاد شدن جمعیت، برهای اول دایره سینه خیلی بزرگ و درهم فشرده هستند که باعث می‌شود سینه‌زن فضای کافی برای برداشتن پا، نداشته باشد و به این‌ترتیب نوحه‌های اول کندتر اجرا شود. در خوزستان صفوف درهم فشرده‌ای و جمعیت زیادی نبوده و همین کمک می کرده که سینه‌زنی دارای سرعت بیشتری باشد، کما این که تا همین سال‌های اخیر هم، سرعت گردش تندتری داشته‌اند.

نظر محمد خدادادی نوازنده و موزیسین بوشهری را درباره دو روایت از این نوحه لبالب پرسیدم، محمد عقیده دارد که: بر اساس آخرین اجرایی که از گراشی دیده‌ام، می‌توان حدس زد که چون این نوحه، دهه‌ها در مراسم سینه‌زنی خوانده نشده بوده و گهگاه در تنهایی بدون سینه‌زن و به شکل آوازی اجرا شده روایت ریتم به‌مرور تغییر کرده است. گراشی یا دیگران، احساس کرده‌اند که این نوحه در سیستم آوازخوانی، زیباتر اجرا می‌شود، به همین خاطر این روند ملودیک، در زمزمه کردن‌های این سالیان به این شکل کنونی تغییر کرده باشد.

روایت گراشی در شوشتری است که متاسفانه بخش مهم و زیبای اثرهم که در قسمت عراق بوده



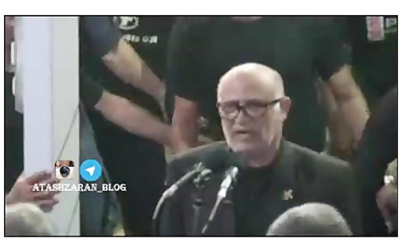
هم حذف کرده است. یعنی گراشی با تغییر یک نت، بدون تغییر شخصیت ملودی و متن، با خواندن نوحه در شوشتری که در یک کوک دیگر است، ماهیت نوحه را عوض کرده است اگرچه آن چه که اجرا می کند هم زیبا و شنیدنی است.

از نظر من خواندن سیاوشی مستندترو نزدیک تر به اصل است. این روایت سیاوشی از همه روایت‌های اجرای لبالب، بهتر و قابل استاندتر است که به شکل کامل و درستی خوانده شده است. تقطیع‌ها و سرضرب‌ها، در صدای خواننده نشان می‌دهد که نوحه با یک ریتم سریع‌تری اجرا می‌شده است در روایت سیاوشی خواننده با تأکیدهایی که در موقع خواندن می‌دهد سرضرب‌ها را رعایت می‌کند که این تأکیدهای مدام باعث می‌شود تا ریتم سینه محفوظ بماند. به نظرم سیاوشی کامل به نوحه لبالب مسلط بوده و اجرای خیلی فنّی، تمیز و کاملی عرضه می کند. سیاوشی لبالب را در شور می‌خواند و گوشه عراق نوحه را هم به‌صورت کامل پیاده می کند.

رضا زال پور نوازنده و موزیسین، با بررسی این دو روایت، عقیده دارد: «به نظر من روایتی که سیاوشی از نوحه لبالب اجرا کرده است اگرچه منطبق بر آواز اصفهان (موسیقی دستگاهی ایرانی) نیست اما می‌توان گفت که در محدوده آواز اصفهان قدیم (موسیقی دستگاهی ایرانی) سیر می کند. همچنین در قسمت اوج این نوحه به محدوده گوشه عراق اشاره می‌شود. اما در طول اجرای روایتی که از ایشان می‌شنویم، حفظ گام اولیه صحیح، به‌درستی صورت نمی گیرد. به عنوان مثال در اشاره‌ای که به محدوده تقریبی گوشه عراق می‌شود این ملودی نیز در گام صحیح (مرتبط با گام اصلی) خوانده نمی‌شود و حتی بعد از فرود آمدن به گام ابتدایی نوحه، می‌توان متوجه رعایت نشدن گام صحیح شد. یکی از دلایل رعایت‌نکردن گام صحیح در حین اجرا می‌تواند عدم همراهی یکَ ساز (کامل از نظر گستردگی گام) باشد. چرا که مخصوصاً در موسیقی آوازی بوشهر (به طور مثال شروه) چنین اتفاقی متداول بوده است و ناخودآگاه شروه‌خوان، خود را ملزم به رعایت گام اصلی و ابتدائی شروه نمی‌دانسته چرا که سازی او را همراهی نمی کرده است. به نظر من روایتی که گراشی اجرا کرده در محدوده تقریبی آواز اصفهان (موسیقی دستگاهی ایرانی) و نزدیک‌تر به آواز موسیقی اصفهان امروزی است؛ با این تفاوت که در این روایت ایشان محدوده گوشه عراق را اجرا نکرده است.

نکته دیگر در روایت گراشی پائین بودن سرعتِ (تمپو) ریتم، در قیاس با سرعت اجرای سیاوشی است. حفظ و ادامه این ریتم با این سرعت (تمپو) در سینه‌زنی قطعاً سخت‌تر از اجرایِ روایت سیاوشی است چرا که کُندخوانی و کُندنوازی مهارت بالاتری را طلب می کند. می‌توان نتیجه گرفت که باتوجه به این که در روایت سیاوشی از نوحه لبالب به محدوده گوشه عراق اشاره شده و همچنین از طرفی ایشان بی‌واسطه نسخه اصلی لبالب را از سازنده آن ناخدا عباس شنیده و دریافت کرده است، به نظر می‌رسد نسخه ارائه شده توسط سیاوشی نسخه کامل‌تری باشد. از طرفی اگرچه گراشی به دلیل هم‌دوره نبودن با ناخدا عباس امکان شنیدن و دریافت مستقیم این اثر را نداشته است – طبق گفته خودشان این نوحه را از کهن‌سالان شنیده است – اما روایت شخصی خودش از این نوحه را از – نظر فن موسیقایی – درست و صحیح ارائه می‌دهد.»

همچنین باواسطه نقل‌قولی از رادمهر شنیده بودم که ناخدا این نوحه لبالب را بر اساس آهنگ یکی از ساخته‌های قدیمی خودش با مطلع «زنو گویا محرم شد» ساخته که با شنیدن آن نوحه با اجرای ماهینی بر اساس روایت سیاوشی، شباهتی میان این دو نوحه دیده نشد که ممکن است ناشی از نارسایی در روایت باشد.



این جستجو به یاری و حوصله این دوستان به سرانجام رسید: داریوش ماهینی، مصطفی گراشی، محسن سیاوشی پور، عبدالحمید دشتی فرد، علی کردی زاده، محمد خدادادی، رضا زالپور، اکبر اسکرووالا، سبحان برآورده، شاهین بهرام نژاد، پرویز زارعی، اکبر ابراهیمی، امید زاهد، محسن شریفیان، ماشالله شریفیان، رحیم پور رحیم، محسن خرمایی پور، ابراهیم تمهید، خشایار شاهینی، محمد رحیمی زاده.

مصطفی اکابریان نوحه خوان سینه زنی سنتی بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:
سعی می کنم موجب همدلی بین اهالی محل و عزاداران حسینی شوم

– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.
– مصطفی اکابریان هستم، از بوشهر، بهبهانی.
– چه شد که به نوحه خوانی سنتی بوشهر علاقمند شدید؟
– من در خانواده ای که به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) اعتقاد و علاقه ی زیادی داشتن متولد شدم و خود این موضوع کمک کرد که از همان کودکی بر سر سفره ی رحمت واسعه ی الهی و عنایات ویژه ی اهل بیت قرار بگیرم و از سن ده سالگی کار خود را با ذکر و پامنبری شروع کردم که در ادامه در دوران دانشجویی برای اولین بار نوحه خوانی کردم و این امر ادامه پیدا کرد تا هم اکنون که حدود ده سال هست به عنوان نوحه خوان در محله پدری خودم (محله ی بهبهانی) خدمت می کنم.
– در این راه آیا آموزش خاصی هم دیدید؟
– بنده اول در زمینه ی تئوری موسیقی (سلفژ) و همچنین صداسازی کار خودم را شروع کردم و در زمینه ی نوحه خوانی هم در دوران کودکی نوحه خوانی مرحوم کردی زاده و مرحوم شریفیان را خیلی گوش می دادم و در ادامه هم چند نوبت محضر زنده یاد «علی دشتی نجار» رسیدم و از تجربیات ایشان تلمذ کردم، البته من همیشه سعی



می کنم از نقاط قوت هر کسی در این زمینه بهره بگیرم و در کارم استفاده کنم و چون مسئله ی یادگیری امریست همیشگی پس در هر مکان و زمانی، مستقیم و غیرمستقیم در واقع دارم یاد می گیرم و کسب تجربه می کنم.
– مشوق شما چه کسانی بودند؟
– پدر بنده مشوق اصلی من بوده آمد.
– هدفتان از آمدن در این مسیر چیست؟
– خوب وقتی که شما به عنوان یک نوحه خوان شناخته می شوید طبیعتاً باید رفتارتان نیز در خور جایگاه نوحه خوانی باشد، من همیشه به این موضوع فکر می کردم که اگر نوحه خوان شدن طوری رفتار کنم که اولاً در شأن اهلبیت عصمت (ع) باشد و هم موجب وفاق و همدلی و انبساط خاطر بین اهالی محل و عزاداران حسینی شوم.
– صدا و کار کدام نوحه خوان‌ها را در بوشهر می پسندید و الگوی شما در این راه کیست؟
– مطمئنا همه ی نوحه خوانان زحمت می کشند و با سعادت بوده اند که در این مسیر قرار گرفته اند و در کل مقوله ی هنر و موسیقی و به طور خاص «صدا» امری سلیقه ایست و هر کسی می تواند از هر صدایی خوشش بیاید؛ در عین حالی که کسی یا کسانی آن صدا را دوست نداشته باشند و یا بالعکس؛ ولی من خودم به شخصه به نحوه ی اجرا و صدای حاج مصطفی گراشی علاقه مند هستم.
– از اولین نوحه خوانی تان در دوران دانشجویی



بگویید.
– بنده در دوران دانشجویی در شهرستان بندرانزلی برای اولین بار نوحه خوانی کردم، تعداد دانشجویان بوشهری در بندر انزلی زیاد بودند و ما در آن جا هیأت فاطمیون تشکیل داده بودیم و به شیوه سنتی و خاص بوشهر در نقاط مختلف شهر عزاداری می کردیم.
– نوحه‌های خود را چگونه انتخاب می کنید؟
– بنده با توجه به مناسبت هر مراسم و طبیعتاً تعداد سینه زنها و شرایط کلی سینه و تجربیاتی که در گذشته از جو و اتمسفر مربوط به هر مراسم دریافت کرده ام، نوحه های خود را انتخاب می کنم.
– مطالعه تاریخ، شعر، سیره عملی معصومین (ع) و... چه قدر می‌تواند درانتخاب شعر و نوحه موثر باشد و آیا شما در این زمینه هم فعالیت دارید؟
– خوب مسلما این که نوحه خوان با مطالعه و اشراف کامل به موضوع، نوحه های خود را انتخاب کند، می تواند خیلی به روند سینه و انتقال مفاهیم به سینه زن کمک کند. بنده نیز همیشه سعی می کنم با مطالعه و وسواس زیاد از لحاظ مفهوم و مضمون نوحه های خود را انتخاب کنم.
– به نظرتان مهمترین ویژگی‌های عزاداری و سینه‌زنی سنتی بوشهر چه چیزهایی هستند؟
– همان طور که می دانید کاملترین شکل هندسی دایره است که در عزاداری و سینه زنی بوشهر از آن استفاده می کنیم، شخص نوحه خوان در وسط و مرکز دایره ایستاده و نوحه می خواند، صدا به طور یکنواخت به اطراف می‌رسد. سینه زنها به دور نوحه خوان و در واقع آن هسته ی مرکزی «طواف گونه» می چرخند و نوحه خوان را همراهی می کنند، در سینه زنی بوشهر بر خلاف عقربه های ساعت، سینه زنها حرکت می کنند و بر قلب خود به نشانه احترام به صاحب عزا سینه می زنند، فکر می کنم تمام این مسایلی که البته به اختصار (مطالب دیگه ای هم هست) خدمتتان عرض کردم موجب شده است که منحصر به فرد ترین عزاداری را در سطح کشور در شهرستان بوشهر شاهد باشیم.
– سخن پایانی.
– در پایان از نسیم جنوب که این امکان را فراهم کرد که بتوانم مطالبی را با همشهریهای عزیزم به اشتراک بگذارم کمال سپاس و تشکر را دارم و امیدوارم که در نهایت امر همه ی اعمال ما مورد قبول خداوند مهربان و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) قرار بگیرد، انشالله.

مهدی رادمهر نوحه خوان سینه زنی سنتی بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:
آئین سینه زنی سنتی بوشهر از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.
– مهدی رادمهر (باشنگ) ۳۷ ساله و دارای یک فرزند هستم و در یکی ازمحله های قدیمی ومذهبی شهر بوشهر بنام سنگی بدنیا آمدم.
– چه شد که به نوحه خوانی سنتی بوشهر علاقمند شدید؟
– از اوایل به دلیل شرکت در این مراسمات در محله خودم سنگی به همراه پدر و در محله مادری (ریشهر) شرکت می کردم و علاقه وافری به این مراسم و آئین پیدا کردم، مراسمی که اسلام ناب محمدی(ص) را از طریق میراث ماندگار سیدالشهدا(ع) سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر منتقل می کند. پیر و جوان، زن و مرد و همه افراد با تفکرات مختلف فقط به عشق آن که خدمتی برای خاندان پیامبر(ص) داشته باشند، کمر همت بسته و وارد میدان می‌شوند تا ارادت خود را نشان دهند.
– در این راه آیا آموزش خاصی هم دیدید؟
– آموزش خاص که به صورت حرفه ای باشد ندیدم مثل همه نوحه خوانهای شهرم که خود به صورت خودجوش به دنبال یادگیری آن رفتیم، استاد خاصی ندارم و به صورت سنتی یاد گرفته ام، اما در کنار این معمولاً اساتیدی بودن که هرعزیز نوحه خوان از یکی از این اساتید بهره می برد، که بنده به دلیل ارتباط شغلی پدر و شادروان استاد خرمایی که از همین جا به روحش درود می فرستم، بهره می بردم.
– مشوق شما چه کسانی بودند؟
– اول پدر ومادرم و هم محله ای ها و مسجدی های عزیزم در مسجد حاج محمد علی کوی سنگی.
– هدفتان از آمدن در این مسیر چیست؟
– عشق به اهل بیت عصمت و طهارت علیها سلام و اشاعه فرهنگ عاشورایی.
– صدا و کار کدام نوحه خوان‌ها را در بوشهر می پسندید و الگوی شما در این راه کیست؟
– بحمدا... در بوشهر همه نوحه خوانان ازخوبان و بهترین ها هستند اما بنده به شخصه نقاط قوت هر مداحی را به عنوان الگو در نظر گرفته و سرلوحه کار خود قرار می دهم.
– اولین بار در کجا نوحه خوانی کردید و اکنون در کجا می‌خوانید؟
– بنده ورودم به این عرصه با پیش خوانی در دهه ۸۰ شروع کردم و در همان سالها در شب سیزدهم و شب شهادت امام رضا (ع) به عنوان نوحه خوان اصلی انجام وظیفه می کردم.
از سال ۸۳ تا ۸۹ هم به دعوت هیئت امنا واهالی مسجد صاحب الزمان (عج) کوی بنمانع آن جا هم نوحه خوانی می کردم.
– نوحه‌های خود را چگونه انتخاب می کنید؟
– در انتخاب نوحه ها چه از نظر ردیف شعری و چه از نظر محتوا و آهنگی، حساسیت خاصی دارم و بیشتر حماسی و بر اساس واقعیتهای تاریخی سروده شده را می پسندم که البته این خصیصه در همه نوحه خوانهای عزیز شهرم هست که باید نوحه یا واحد، از نظر شعری و آهنگی غنی باشد.
– به نظرتان مهمترین ویژگی‌های عزاداری و سینه‌زنی سنتی بوشهر چه چیزهایی هستند؟
– یکی از انواع عزاداری، مراسم‌های منحصر به فرد مردم خون‌گرم استان بوشهر است که گرمای محبت اباعبدالله بر این عشق افزوده و در نتیجه عزاداری بوشهری با حراراتی دو چندان، چون آفتاب بوشهر بر تن سرمازده انسان آرامشی دلچسب می‌آفرینند.
عزاداری استان بوشهر نه تنها یکی از منحصر به فردترین عزاداری‌ها محسوب می‌شود بلکه عزاداری این منطقه از تنوعی بی‌نظیر برخوردار است که از آن جمله می‌توان به مراسم‌های دمام‌زنی، پامنبری، ایامظلوم، مقتک علی اصغر (ع) نام برد و علاوه بر آن غذاهای سنتی بوشهری نیز به عنوان نذری در ماه محرم توزیع می‌شود که طعم این غذاها در کام عزاداران ماندگار شده است. نوای غم انگیز نوحه خوانی و نوازندگی سنج و دمام بوشهری‌ها در ماه محرم و صفر حکایت از دردها و غم‌های فراوان آنها دارد. سینه زنی در بوشهر و سایر شهرهای خطه جنوب با شکوه خاصی برگزار می‌شود.
– سخن پایانی؟
– در پایان امیدوارم در همه کارها خدا و اهل‌بیت را نظر داشته باشیم و هیچ وقت باعث ناراحتی امام زمان مان نشویم. از تمام کسانی که از ابتدای نوحه خوانی من زحمت کشیده‌اند، درس دادند، راهنمایی کردند و شرایط را برایم فراهم کردند تشکر می کنم و دست تک تک شان را می‌بوسم.
از این رسانه محترم که در راستای اشاعه فرهنگ حسینی و عاشورایی به ویژه در جهت معرفی آیین های سنتی و مذهبی استان بوشهر تلاش می کنید به نوبه خودم تشکر و قدردانی می کنم.



حبیب چاه شوری نوحه خوان سینه زنی سنتی بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

سینه زنی سنتی بوشهر منحصر به فرد است



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– حبیب چاه شوری هستم ۴۰سال سن دارم متولد بوشهر، اصالت پدری اهل روستای چاووشی. کارمند بانک تجارت استان بوشهر هستم.

– چه شد که به نوحه خوانی سنتی بوشهر علاقمند شدید؟

– بنده دریک خانواده ای بزرگ شدم که علاقه مند به اهل بیت (ع) بودند و مرتب در مراسمات مختلف اهل بیت (ع) شرکت می کردند، در خانه همیشه روضه خوانی داشتیم و بالطبع در همچین محیطی قرارمی گرفتم و موجب شد که من هم علاقمند شوم و از آن موقع با مرحوم پدرم مرتب به مساجد و حسینیه ها می رفتیم و سینه زنی سنتی می دیدیم و این شکل منحصر به فرد این نوع سینه زنی مرا خیلی جذب می کرد و علاقه مند شدم. کاست ها و نوارهای نوحه خوان های قدیمی در خانه مان مرتب پخش می شد و این ها همه با هم موجب این شد که ما به نوحه خونی علاقمند شویم.

– در این راه آیا آموزش خاصی هم دیدید؟

–بله، مرحوم حاج باقر آرامی همسایه و هم محله ای ما بودند و از آن جا که فرهنگی هم بودند و خودشان هم نوحه خوان ومداح امام حسین (ع) بودند و رابطه صمیمانه با خودم و خانواده ما داشت و مرتب تشریف می آورد منزل یا این که ما خدمت می رسیدیم و از تجربیات ایشان استفاده می کردیم و بهره خیلی زیادی از وجودشان بردیم. درکنار ایشان هم از نوارها و کاست های مرحوم کردی زاده، مرحوم شریفیان، مرحوم صفایی و حاج مصطفی گراشی و بقیه نوحه خوان های قدیم را گوش می دادم و استفاده می کردم.



– مشوق شما چه کسانی بودند؟

– مشوق اصلی من در این زمینه مرحوم پدرم بود که خیلی دوست داشت در این وادی و این جرگه قدم بگذارم و به عنوان نوحه خوان بتوانم فعالیت بکنم و تا زمانی هم که در قید حیات بودند از این مسئله هم خشنود بود و هم خیلی کمک می کرد و در کل خانواده خیلی بهم کمک کردند که بتوانم نوحه خوان بشوم.

– هدفتان از آمدن در این مسیر چه هست؟

– من هم مثل هرکسی دوست دارم برای اهل بیت عصمت و طهارت و امام حسین (ع) که گل سر سبد اهل بیت هستند خدمت کنم، امام حسینی (ع) که تمام زندگی خودش را در راه خدا داد که بتواند یک دلی را بدست بیاورد، بتواند یک شخص را به راه حق و راه درست هدایت کند. من هم تمام تلاشم را می کنم و هدفم این است که با خلوص نیتی که از خودم به خرج بدهم و با رفتاری که داشته باشم با مردم به عنوان یک نوحه خوان طوری رفتار کنم که مردم جذب بشوند به مراسم حسینی و شخصیت حسینی و هدفم این است که حسینی رفتار کنم.

– صدا و کار کدام نوحه خوان‌ها را در بوشهر می پسندید و الگوی شما در این راه کیست؟

– همه نوحه خون ها بالطبع سعادتمند بودند و مورد پسند خدا و اهل بیت بودند که در این مسیر قرار گرفتند و پا گذاشتند و آمدند و فعالیت می کنند ولی صدا، موسیقی و هنر سلیقه ای است و هر کس ممکنه از یک صدایی خوشش بیاد و از یک صدایی نه. من هم از کوچکی نوارهای مرحوم کردی زاده را گوش می دادم و متعاقبا عرض کردم که از صدای حاج باقر آرامی هم استفاده می کردم و صدای مرحوم شریفیان و مرحوم علی دشتی و حاج مصطفی گراشی را نیز دوست دارم.

– اولین بار در کجا نوحه خوانی کردید و اکنون در کجا می‌خوانید؟

– اولین باربه صورت رسمی در حسینیه شهدای باغ زهرا وبعد از آن در مسجد امام حسن مجتبی (ع) کوی جبری و حسینیه مرحوم بوالخیری کوی جفره ماهینی که هم اکنون دراین دو مکان نوحه خوانی من دامه دارد .

– نوحه‌های خود را چگونه انتخاب می کنید؟

– باتوجه به مناسبتی که می خواهیم نوحه بخوانیم و با توجه به آن شبی که میخواهیم نوحه بخوانیم نوحه



هایمان را انتخاب می کنیم که امشب مثلا مختص به چه شخصیتی از شخصیت های عاشورا و کربلاست و سعی می کنیم نوحه های بیشتری از آن شخصیت درآن شب بخوانیم و با توجه به تعداد سینه زن و جو سینه زنی درهمان شب نوحه هایمان را انتخاب می کنیم و سعی می کنیم نوحه هایی باشه که مناسب آن جمعیت باشد.

– مطالعه تاریخ، شعر، سیره عملی معصومین (ع) و... چه قدر می‌تواند درانتخاب شعر و نوحه موثر باشد و آیا شما در این زمینه هم فعالیت دارید؟

– بالطبع از ملزومات کار ما این است که شعر را با حساسیت بیشتری انتخاب کنیم ، من هم سعی می کنم مطالعه داشته باشم و از اساتید شعر هم کمک بگیرم و شعر را تا جایی که می توانم مورد بررسی قرار می دهم که از لحاظ ادبی مشکلی نداشته باشد و اشعار فاخری باشد و تمام توانم را می گذارم که شعرهای خوبی را انتخاب کنم و آنها را بخوانم.

– به نظرتان مهمترین ویژگی‌های عزاداری و سینه‌زنی سنتی بوشهر چه چیزهایی هستند؟

– همین که ما به شکل دور سینه می زنیم و از لحاظ ملودی هم قوی هست عزاداری ما و فضای تصنیفی دارد و ملودی ها مرتب عوض می شوند و یه فضای خیلی سنفونیک دارد، و مردم یا همان سینه زن به نوحه خوان جواب می دهند از این لحاظ عزاداری و سینه زنی ما منحصر به فرد است.

– سخن پایانی؟

– ممنون از این که وقت گذاشتید و مصاحبه فرمودید و بنده هم ان شالله توانسته باشم جوابهای درخوری به سوالات شما داده باشم در پایان برای شما و همکاران پرتلاشتان در هفته نامه نسیم جنوب آرزوی موفقیت و شادکامی را دارم . التماس دعا.

مصطفی ساعدی، نوحه خوان سینه زنی سنتی بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

اولین شاکله عزاداری سنتی، فهم و درک تاریخ وقایع است



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

اینجانب مصطفی ساعدی، متولد شب یلدای ۱۳۶۸ از شهر بوشهر در محله باغ زهرا دیده به جهان گشودم. و از عنفوان نوجوانی تقریبا از سنین ۹ سالگی وارد این عرصه شدم و به ذاکری و مداحی آل الله پرداختم و تا هم اکنون که افتخار خادمی به عنوان مدیر بنیاد دعبل خزائی استان بوشهر، دبیر کانون مداحان و شعرای آیینی استان و مدیر کانون مداحان شهرستان بوشهر را دارم.

– چه شد که به نوحه خوانی سنتی بوشهر علاقمند شدید؟

– از کودکی به همراه پدرم به مراسمات سینه زنی سنتی می رفتم و با دیدن شکل هندسی دایره وار و منظم و این که عزاداران و سینه زنها بدون تمرین قبلی، یک صدا جواب نوحه خوان را می دادند، همه و همه در علاقه مندی من نسبت به سینه زنی سنتی تاثیر گذار بودند.

– در این راه آیا آموزش خاصی هم دیدید؟

– واقعیت امر، در این راه من از استاد و معلمی به معنای آموزش های خصوصی بهرمند نبودم اما از تجارب و وجود بزرگوارانی چون مرحوم حاج باقر آرامی، حاج مصطفی گراشی، حاج عبدالحمید دشتی فرد(ناخدا)، حاج ابراهیم ملاح زاده و امیر کردی زاده بهره بردم که در ادامه مسیر از وجود دوست و برادر عزیزم محمد آرامی بهره می برم.

– مشوق شما چه کسانی بودند؟

– خانواده و دوستان و اهالی محل.

– هدفتان از آمدن در این مسیر چه هست؟

– چه هدفی بالاتر از خدمت به اهل بیت آن هم با حفظ کردن این آیین سنتی عزاداری که با روح مردم این دیار عجین گشته و هدف عرض ادب بوده و هست.

– صدا و کار کدام نوحه خوان‌ها را در بوشهر می پسندید و الگوی شما در این راه کیست؟

– ببینید این مسیر، مسیر خادمی و عرض ارادت هست. هر کسی به نوبه خود و با استعداد و نوای خودش به ساحت مقدس اهلبیت(ع) عرض ادب می کند و همه عزیزانی که در این عرصه هستند بنده از آنها درس میگیرم، ابتدای مسیر در نوحه خوانی از حاج مصطفی گراشی عزیز الگو برداری می کردم و با گوش دادن به نوای مانای مرحوم جهانبهش کردی زاده (بخشی) ترغیب به نوحه خوانی شدم .

– اولین بار در کجا نوحه خوانی کردید؟

– در دوران تحصیل در مدرسه شروع به نوحه خوانی کردم اما به طور جدی از تکیه ای در محل شروع کردم و در ادامه در شهر و شهرستان های استان و همچنین استان های همجوار قبیل خوزستان، فارس و ...

– اکنون در کجا نوحه می‌خوانید؟

– از محرم سال ۱۳۸۹به صورت رسمی در مسجد حضرت زهرا(س) معروف به مسجد حاج خیرالله کوی باغ زهرا، حسینیه اباعبدالله الحسین (ع) گلزار شهدا و از محرم سال ۱۳۹۴در مسجد توحید کوی سنگی سعادت ذاکری و مداحی را دارم.

– نوحه‌های خود را چگونه انتخاب می کنید؟

– با در نظر گرفتن فضا و مکان مراسم و با توجه به مناسبت آن مراسم، از قبل اشعار و آهنگهای متناسب را تنظیم می کنم و اما بعضی اوقات در صحنه مراسم تغییراتی را فی البداهه انجام می دهم.

– مطالعه تاریخ، شعر، سیره عملی معصومین (ع) و... چه قدر می‌تواند در انتخاب شعر و نوحه موثر باشد و آیا شما در این زمینه هم فعالیت دارید؟

– قطعاً اولین شاکله عزاداری سنتی، فهم و درک تاریخ وقایع است که هر مداح باید زندگی و سیره اهل بیت(ع) را به جد مطالعه کند و در وهله بعد، از ادبیات و اوزان اشعار اطلاعاتی داشته باشد که بتواند در مناسبت های مختلف اشعار بجا را انتخاب کند، بنده تا حدودی اهل مطالعه هستم و قبل از هر مناسبت با توجه به مطالعات و پژوهش هایم و درک از سیره اهلبیت (ع)، اشعاری متناسب با آن مناسبت را انتخاب و گلچین می کنم و حتی بعضی اوقات با توجه به شناخت ادبی خودم شعر می سرایم.

– به نظرتان مهمترین ویژگی‌های عزاداری و سینه‌زنی سنتی بوشهر چه چیزهایی هستند؟

– عزاداری بوشهر علی الخصوص سینه زنی سنتی بوشهر مجموعه ای کاملی از استفاده از دستگاههای موسیقی سنتی، موسیقی فولکور، برخورداری از ریتم های و ضرب آهنگهای بجا، شکل کامل هندسی دایره وار آن، اتحاد و یک صدایی سینه زنها، بیان احساس و شور و شعور حسینی و مانند یک گروه ارکست بزرگ، داشتن یک رهبر ارکستر (بُر ساز یا همان صف درست کن) و یک خواننده (نوحه خوان و مداح) همه و همه نشان از عرض ادب یک جمع ارادتمند به ساحت مقدس اهلبیت علیهم السلام می باشد.

– سخن پایانی.

– همیشه وقتی یک شخص در جایگاه رفیع دنیایی تنزل پیدا می کند می گویند از عرش به فرش افتاد. در دستگاه اهل بیت (ع) و امام حسین (ع)، وقتی فرش باشی به عرش می روی، در اینجا فرش مصداق افتادگی و بی تکبری، خاکی بودن همان خضوع و فروتنی می باشد که ما را به عرش می رساند و انشاءالله عاقبت بخیری و از همه عزیزان این دیار و علاقه مندان به سبک سنتی تمنا دارم در حفظ این آیین و هر چه باشکوه تر برگزار شدن آن بکوشیم.



یاسر صفوی نوحه خوان سینه زنی سنتی بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

متاسفانه در سینه زنی سنتی بوشهر، مطالعه و تحقیق برای درک ریشه های تاریخی، تقریبا هیچ سهم و جایگاهی ندارد



–لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– بنده سید یاسر صفوی هستم؛ متولد سال ۱۳۶۰ در شهر بوشهر، دارای مدرک کارشناسی مدیریت فرهنگی و کارمند صدا و سیمای مرکز بوشهر

– چه شد که به نوحه خوانی سنتی بوشهر علاقمند شدید؟

– بنده در چهارمحل قدیم بوشهر متولد و در محلات بهبهانی و کوتی در میان خانواده ای مذهبی و دلباخته ی اهل بیت (علیهم السلام) پرورش یافته ام. از همان کودکی به واسطه ی هدایت و همراهی خانواده با مسجد و مجالس مذهبی آشنا شدم و افتخار خدمتگذاری این مجالس را داشتم. ابتدا با قرائت قرآن و ادعیه در مدرسه و پس از آن در مساجد مختلف آغاز کردم. در سنین حدوداً ۱۱ یا ۱۲ سالگی یک هیأت کوچک را با تعدادی از دوستان هم سن و سال راه اندازی کردیم که در ایام عزاداری محرم و صفر با مراجعه به مساجد و حسینیه های چهار محل عزاداری می کردیم و من هم در این هیأت نوحه خوانی می کردم. حضور و خدمتگذاری در مساجد بافت قدیم خصوصاً مسجد شیخ سعدون که کلیه مجالس به سبک و سیاق سنتی در آنها برگزار می شد و استفاده از محضر پیشکسوتانی همچون زنده یاد علی دشتی نجار، حاج اسماعیل ایراندوست و عبدالحمید دشتی فرد، علاقمندی من را به فعالیت در عرصه ی عزاداری سنتی بوشهر دو چندان نمود و بدین گونه از همان زمان عمده فراگیری و فعالیت من در این زمینه قرار گرفت.

–در این راه آیا آموزش خاصی هم دیدید؟



– تا پیش از سال ۹۶ فراگیری و تمرینات من در زمینه نوحه خوانی به صورت غیر رسمی و پراکنده انجام می شد. ولی بعد از این که مقرر گردید در مسجد شیخ سعدون در کنار حاج اسماعیل ایراندوست به نوحه خوانی بپردازم، تصمیم گرفتم به صورت جدی تر این مقوله را دنبال نمایم. به همین سبب ضمن شروع تحقیقات و مطالعه در خصوص عزاداری سنتی ، آموزش هایی را نزد بزرگوارانی همچون سید سعید فرهی در زمینه صداسازی و ردیف خوانی، سید محمد (عبدی) یاحسینی در زمینه نوحه خوانی سنتی، حسین سلمان پور در زمینه آشنایی با سبک و اجرای نوحه خوان های قدیم بوشهر آغاز نمودم و البته در کنار آن به صورت پراکنده بسیاری از دوستان خوبی که دارم به بنده در این زمینه راهنمایی و مشاوره های خوبی ارائه دادند. همچنین در زمینه ی قرائت قرآن نیز مدتی از محضر استاد عبداله محبوبی بهره مند بودم.

– مشوق شما چه کسانی بودند؟

–خانواده می تواند بهترین مشوق هر فرد در راه رسیدن به موفقیت باشد که بنده هم الحمدلله از این نعمت بزرگ بهره مند بوده ام. پدربزرگ و مادربزرگ، پدر و مادر من که همگی خادم و مجلس دار اهل بیت (علیهم السلام) بودند و مشوق های اصلی بنده در این راه بودند.

– هدفتان از آمدن در این مسیر چه هست؟

– بنده ذاتاً علاقه زیادی به حضور و خدمت در مسجد و مجالس اهل بیت (علیهم السلام) داشته و دارم و به همین واسطه از دوران کودکی و نوجوانی، هر نوع کار و فعالیتی که در توان داشتم (از جمله پذیرایی، سیاه پوشی، کارهای فنی و ...) برای برپایی این مجالس به کار بسته ام و با توجه به توانایی که خداوند به من عطا کرده مداحی و نوحه خوانی هم در کنار این فعالیت ها انجام می دهم تا زمانی که ان شاءالله توانایی و لیاقت حضور در این دستگاه و تشکیلات را داشته باشم.

– صدا و کار کدام نوحه خوان‌ها را در بوشهر می پسندید؟

–البته همه ی نوحه خوان ها در جایگاه خودشان و در راستای هدفی که دارند قابل احترام بوده و هر کدام در کار خودشان نقاط قوت و ضعف هایی دارند. راستش بنده در محله ای که در آن بزرگ شدم و همین طور ارتباطات قدیمی خانوادگی برای زنده یاد علی دشتی نجار و همین طور آقایان عبدالحمید دشتی فرد (ناخدا) و حاج اسماعیل ایراندوست احترام زیادی قائل بوده و هستم و صدا و اجرای این بزرگواران به عنوان یک نوستالژی در ذهن بنده نقش بسته، در حال حاضر نیز برای برخی از نوحه ها نگاهی به سبک و اجراء های مرحوم علی دشتی دارد. همین طور تسلط و تبحر جناب حاج مصطفی گراشی در اداره مراسم و اجرای نوحه های قدیمی و جدید و حساسیتی که در ارائه و معرفی نوحه های جدید دارند بسیار قابل توجه و مورد احترام بنده می باشد.

– اولین بار در کجا نوحه خوانی کردید و اکنون در کجا می‌خوانید؟

– اولین نوحه ها را در دوران نوجوانی در همان هیأت دوره گردی که داشتیم می خواندم. مدتی هم در کنار زنده یاد رضا طارمی در مسجد شیخ سعدون اجرای پامنبری انجام می دادم و از حدود سال ۸۵ نیز با راه اندازی یا به عبارتی احیای دسته زنجیر زنی جوانان مسجد شیخ سعدون تا همین سالهای اخیر در این دسته هم می خواندم و در نهایت از حدود سال ۹۶ که به پیشنهاد بزرگترهای مسجد شیخ سعدون در کنار جناب ایراندوست فعالیت دارم.

– نوحه‌های خود را چگونه انتخاب می کنید؟

– محتوا ، موسیقی، ریتم و همخوانی با سبک سینه زنی بوشهری همه در کنار هم می توانند در انتخاب نوحه معیار و ملاک قرار گیرند. برخی از نوحه ها ملودی های زیبا دارند و در سینه زنی بوشهری هم به خوبی قابل اجراء بوده و بعضاً با توجه به قدمتی که دارند از جنبه حس نوستالژیک هم مورد توجه عزاداران و مستمعین هستند، ولی متاسفانه به ایراداتی در محتوای یکسری از این نوحه ها وجود دارد و با منابع معتبر تاریخی موجود اختلافات فاحش دارند که برای انتخاب و استفاده کار ما را سخت می کنند. با توجه به این که وظیفه ی اصلی یک مداح قرائت واقعیات تاریخی با زبان شعر شعر و موسیقی می باشد، لذا باید تا حد امکان دقت لازم در بحث محتوای اشعار نوحه ها صورت پذیرد .

– مطالعه تاریخ، شعر، سیره عملی معصومین (ع) و... چه قدر می‌تواند درانتخاب شعر ونوحه موثر باشد و آیا شما در این زمینه هم فعالیت دارید؟

– مطالعه رکن اصلی در روایتگری یک واقعه تاریخی است و هیچ جایگزینی هم ندارد. ما تا خودمان از ریشه های وقایع بزرگ تاریخی همچون ولایت و شهادت حضرت علی (ع)، علل و عوامل صلح امام حسن (ع) و جانفشانی های امام حسین (ع) و یارانش در روز عاشورا و صدها واقعه دیگر اطلاعات کافی و وافی نداشته باشیم، نمی توانیم سفیران خوبی برای بازگویی این داستان های پر از حماسه و تراژدی در تقابل حق و باطل باشیم. البته صادقانه باید عرض کنم با کمال احترام به همه نوحه خوانان و پیشکسوتان این عرصه در بوشهر و عزاداری سنتی بوشهر مطالعه و تحقیق برای درک این ریشه های تاریخی تقریبا هیچ سهم و جایگاهی ندارد و صرفا تمام هم و غم و تلاش ما صرف جنبه های زیبایی و فنی اجراء می شود.

– به نظرتان مهمترین ویژگی‌های سینه‌زنی سنتی بوشهر چیست؟

– قطعا یکی از مهمترین ویژگی های عزاداری بوشهر، بحث زیبایی شناسی این شیوه و سبک عزاداری می باشد که همیشه در کشور زبانزد بوده و هست. شور و هیجان وصف ناشدنی عزاداران در حین سینه زنی در حین اجرای نوحه ها و واحدهایی با آهنگ های برگرفته از موسیقی مقامی و اصیل کشور زیبایی خاصی را برای این نوع عزاداری رقم می زند. در این سبک عزاداری نوحه خوان، محور اصلی و مدیر اجرای مراسم بوده و معمولاً تشخیص و خواست وی برای کنترل و مدیریت مراسم فصل الخطاب می باشد به همین علت معمولاً تجربه ی نوحه خوان در مراسمات سنتی بوشهر تأثیر بسزایی در ارتقاء کیفیت مراسم دارد .

– سخن پایانی.

– امیدوارم خداوند توفیق خدمتگذاری واقعی و با بصیرت در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) به همه ی ما عنایت بفرماید و مسئولین و گردانندگان مساجد و حسینیه ها هم با جدیت واهتمام بسیار نسبت به موضوع جذب جوانان و نوجوانان در برنامه های مذهبی و همچنین افزایش سطح بصیرت و آگاهی خودشان از طریقتی که در پیش گرفته اند تلاش نمایند.

احمد قادریان نوحه خوان سینه زنی سنتی بوشهر :

نوحه خوانی یک عشق و علاقه دلی باید باشد نه یک هدف دنیوی



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– احمد قادریان هستم فرزند حاج رضا قادریان، متولد اول فرودین ماه ۱۳۶۲، متولد بوشهر محله فرودگاه یا همان عسلی (عسلو) کارمند سازمان تامین اجتماعی.

– چه شد که به نوحه خوانی سنتی بوشهر علاقمند شدید؟

–از کودکی به دلیل شرکت همیشگی در مراسمات عزاداری آقا امام حسین (ع) به همراه پدر بزرگوارم باعث شد در کنار صدای خوب پدر هر روز علاقه مندیم به دستگاه امام حسین بیشتر شود.

– در این راه آیا آموزش خاصی هم دیدید؟

– ابتدا به صورت سنتی نوحه خوانی را دنبال می کردم ولی پس از دنبال کردن این حرفه به صورت تخصصی از معلومات و دانش اساتید گرامی چون استاد محمد رضا میگلی، استاد محمود موجی و استاد فرهی بهرمند شدم.

– مشوق شما چه کسانی بودند؟

– ابتدا باید عرض کنم خواست خدا رو بهترین و بالاترین مشوق در انجام و یا عدم انجام هر کاری می دانم و بعد از آن راهنمایی ها و تشویق های پدر بزرگوار و همسرم باعث می‌شد تا بتوانم در این مسیر استوارتر قدم بردارم.



– هدفتان از آمدن در این مسیر چیست؟

– مسیر امام حسین (ع)، من فکر می کنم بیشتر یک عشق و علاقه دلی باید باشه نه یک هدف دنیوی.

– نوحه خوانی را از کجا شروع کردید؟

– معمولا هر نوحه خوان سینه زنی سنتی بوشهری مدت زمانی را از پیش خوانی شروع می کند، اولین پیش خوانی را در حسینیه محله مان در حسینیه ارشاد بوشهر انجام دادم و اولین نوحه خوانی را به دعوت دوست عزیزم سید امیر موسوی که از سادات عزیز و مداحان با سابقه بوشهر هستند در مسجد امام جعفر صادق کوی سادات هلیله داشتم.

– نوحه‌های خود را چگونه انتخاب می کنید؟

– نوحه ها معمولا با توجه به ایام سوگواری و محل و مسجدی که قرار است در آن نوحه خوانی برگزار شود، انتخاب می کنم.

– مطالعه تاریخ، شعر، سیره عملی معصومین (ع) و... چه قدر می‌تواند در انتخاب شعر و نوحه موثر باشد و آیا شما در این زمینه هم فعالیت دارید؟

– بدون شک مطالعه در راه شناخت هر کاری می تواند موثر باشد و مداحی هم که با علم و اطلاع و سواد کافی از شعر و سیره معصومین به مداحی بپردازد می تواند موفق تر باشد.

– به نظرتان مهمترین ویژگی‌های سینه‌زنی سنتی بوشهر چه چیزهایی هستند؟

– به نظرم مهمترین ویژگی و آیین عزاداری سنتی در بوشهر موسیقی نهفته در درون آن است که نوحه خوان چه زیبا اشعار زیبای سروده شده در وصف ائمه را با ریتم و ملودی های آهنگین و سوزناک می‌خواند و سینه زن آن را درک می کند و همگام با نوحه خوان اقدام به سینه زنی در ریتم های سریع و یا کند می کند.

– سخن پایانی؟

– امیدوارم بیماری و ویروس کرونا هر چه زودتر رخت بربندد و تا صدها بار دیگر مردم عزیز ایران اسلامی بتوانند در عزای ائمه اطهار و سرور و سالار شهیدان گرد هم آیند و این مراسمات را همچون گذشتگانمان به خوبی و بزرگی پاس بداریم. کرونا برود که دلمان تنگ شده برای ذکر نوحه خوانی های حسینی.



زندگی آگاهانه

تاثیر شرایط بیرونی بر موفقیت

حسین زیرراهی - مدرس توسعه فردی



ما انسانها معمولا دنبال موانع بیرونی برای عدم موفقیت خود می‌گردیم. این که خوش‌شانس نبوده‌ایم، خانواده کاری برایمان نکرده، در کشور خوبی بدنیا نیامده‌ایم، نسل سوخته فلان دهه هستیم، امکانات نبود و هزار بهانه دیگر.

شاید بتوان بطور کلی یک ملت را در دوره‌های مختلف با هم مقایسه کرد و دوران اوج و فرود برایش مشخص کرد. حتما در دوره‌های اوج شرایط برای به بار آوردن استعدادها مساعدتر و انسانهای موفق بیشتری در آن جامعه وجود خواهد داشت. چنان که در چند قرن اخیر در غرب این طور بوده و قبل از آن در دنیای اسلام و خاور میانه.

ولی چنین شرایطی برای یک فرد لزوما نمی‌تواند دلیل و بهانه باشد. چنان که در هر شرایطی همواره کسانی هستند که بهترین عملکرد را از خود نشان می‌دهند. دکتر ویکتور فرانکل روانشناس اتریشی که در اردوگاه های کار اجباری نازی‌ها زندانی بود، در یکی از بدترین شرایطی که یک انسان می‌تواند تجربه کند به کشفی رسید که آن را به نام آخرین آزادی انسان نامید. او در کتاب ارزشمند خود، انسان در جستجوی معنا، می گوید با این که شرایط بسیار سخت اردوگاه ها برای همه تقریبا یکسان بود، ولی واکنش زندانیان متفاوت بود. شکنجه و شرایط سخت برخی را به انسان بدتری تبدیل می کرد. در مقابل کسانی هم بودند که در همین شرایط به انسان بهتری تبدیل می‌شدند.

البته می‌توان گفت ویکتور فرانکل تدوین گر این نظریه بود. چرا که قبل از او نیچه فیلسوف آلمانی هم این موضوع را بیان کرده بود. جمله ای از نیچه به جا مانده که می گوید هر مشکلی که انسان را نکشد او را قوی‌تر می‌کند. یا در یکی از کتابهایش به نام اراده قدرت می‌ گوید: برای آن دسته از انسانها که برای مهم‌اند آرزوی درد و رنج، اندوه، بیماری، بدرفتاری و بی‌آبرویی می‌کنم. این حقیقت نشان می‌دهد ما می‌توانیم به شرایط به طور متفاوت پاسخ دهیم. یعنی از سختی، رنج و شرایط نامساعد استفاده کرده و رشد کنیم. البته ما مختاریم به تجربه های منفی، هم پاسخ منفی و هم مثبت دهیم. بنابراین صرف شرایط سخت یا مشکلات نمی‌تواند ما را انسان قوی تری کند. ما اگر تسلیم شرایط ناخواسته بیرونی شویم آن سختی کمکی به ما نمی‌کند. مثلا در نظر بگیرید بچه‌ای که در خانواده‌ای فقیر به دنیا می‌آید تمام سختی‌های یک زندگی فقیرانه را تحمل می‌کند ولی تلاشی برای تغییر آن زندگی نمی‌کند. یا در محله‌های حاشیه شهرها که ساکنان سطح زندگی و فرهنگی پایینی دارند، اغلب بچه‌ها همان بدرفتاری که با آنها شده را بعدا تکرار می‌کنند. ولی هستند کسانی که خود در آن محله‌ها بزرگ شده‌اند ولی بعدا ناجی مردم خود می‌شوند. یعنی نه تنها شرایط بد بر آنها تاثیر منفی نگذاشته که برعکس آن را اهرمی برای موفقیت خود کرده‌اند.

متاسفانه حقایق ارزشمندی مانند این در هیچ کتاب درسی یا سیستم آموزشی ما گنجانده نشده است. بنابراین اگر در کودکی والدین این موضوع را به ما نگویند یا خودمان به آن پی نبریم ممکن است حداقل تا بزرگسالی از آن غافل باشیم. چنان که همین الان اکثریت مردم دلایل عدم موفقیت خود را در عوامل بیرونی همچون شرایط روز، جامعه، سیستم اداری، دولت و غیره جستجو می کنند. حتی اگر بپذیریم چنین چیزی درست است نه قادر به تغییر عوامل بیرونی هستیم و نه کمکی به ما می کند.

بدرود؛ پیر خبرنگاران ایران زمین

ابراهیم دانش



«علی پیر مرادی» از دشتستان استان بوشهر بازمانده از نسل خبرنگاران دهه چهل در کشور ایران، پس از شش دهه فعالیت مطبوعاتی و رسانه ای؛ در شامگاه ۲۸فروردین ۱۴۰۱، آسمانی شد و با رفتنش ما را از وجود خود محروم ساخت.

«علی پیر مرادی» را بیش از سه دهه بود که می شناختم و ده ها سفر و دیدار حاصل این سه دهه بود و آخرین تماس هم روز ۱۳فروردین همین امسال بود که باز هم مورد خبری و استفاده از تجربیات ایشان بود.

«علی پیرمرادی» دارای گنجینه‌ای بزرگ از مطبوعات و مجلات و نشریات کشوری و استانی از دهه چهل تا روز مرگ؛ که پیشنهاد می کنم متولیان امر فرهنگ و هنر دشتستان سریعا نسبت به حفظ آن آثار ارزشمند اقدام نمایند.

شاید برایتان باور کردنی نباشد که به منزلش که می رفتی تا زیر سقف و تمام اتاق؛ پر بود از انواع و اقسام جراید و مجلات که شاید برخی آنها در آرشیو هیچ سازمانی یافت نشود؛ و تمام دیوارهای منزل همه مزین بود به لوح سپاس و تقدیر نامه‌هایی که در این شش دهه اخذ نموده بود؛ علی عشقش همین مجلات بود.

«علی پیرمرادی» رفت و با کوله باری از تجربه رسانه‌ای و خبرنگاری. روحش شاد، نامش مانا، پردیس حضرت دوست ماوایش.

بالاخره گره دانش آموزان گشو شد

مائده قیم

این روزها شاهد حضور پر شور دانش آموزان در مدارس هستیم. با شیوع ویروس منحوس کرونا و تعطیلی مدارس، اگر چه دانش آموزان از نظر سلامت جسمانی مصون ماندند اما از آموزش مهارت های اجتماعی و یادگیری آداب و رسوم بی بهره شدند.



با حضور دانش آموزان در مدارس دوباره نشاط و شادابی به مدارس بازگشت.

امسال اولین روز بازگشت دانش آموزان به مدرسه با شروع ماه مبارک رمضان مصادف شده بود. ما مسلمانان این ماه مبارک را با آیین و مراسمی خاص برگزار می کنیم.

یکی از این مراسم گره گشو یا گرگیعان است که شب میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد.

خانواده ها از چند روز قبل در تدارک برگزاری باشکوه مراسم گره گشو برای کودکان خود هستند.

در این شب بعد از افطار کودکان به در خانه همسایه ها می روند و صاحبخانه ها نیز با اعتقاد به این که اگر دل کودکان را شاد کنند، گره از زندگی‌اش گشوده می‌شود، به آن‌ها شیرینی، آجیل و دیگر تنقلاتی که بچه‌ها دوست دارند، می‌دهند.

بچه‌ها بعد از گرفتن شیرینی از خانه‌ها این شعر را زمزمه می‌کنند: «خونه گچی پر همه چی». البته اگر صاحبخانه‌ای در را به روی آن‌ها باز نکند، می‌خوانند: «خونه شلی، هیچ توش نبی» و یا «خونه گدا هیچی ندا».

آئین «گلی گشو»، «گره گشو» در برخی مناطق نیز به نام «گرگیعان» و «قرقیعان»، مشهور است و هر سال با شور و نشاط خاصی در مناطق مختلف استان بوشهر از جمله دیلم، گناوه، بوشهر، دیر، کنگان و عسلویه برگزار می‌شود.

این آیین قدیمی که ریشه در فرهنگ این دیار دارد و ویژه کودکان و نوجوانان است، جالب و زیبایی خاص خود را دارد که به عنوان یک سنت اجتماعی در حفظ آن باید تلاش شود.

امسال فرصت را غنیمت شماردیم و این آیین اصیل را با هدف آشنایی دانش آموزان با فرهنگ غنی ایران اسلامی اجرا کردیم. امیر علی سلیمانی دانش آموز کلاس پنجم در گفتگو با معلم خود می گوید: «مراسم گره گشو در روستای پدری من حسینکی شهر بوشهر بسیار زیبا برگزار می شود. مادر بزرگم برای نوه ها کیسه مخصوص خوراکی درست می کند و ما با در دست داشتن کیسه ها به در خانه همسایه ها می رویم. وقتی کیسه ما پر شد خوشحال و شاد با دوستان خود به خانه باز می گردیم و خوراکی های خود را در دیگ بزرگی می گذاریم و با هم جشن می گیریم».

سهیلا هاشمی از هموطنان عرب ما که ساکن کشور کویت می باشد، در این باره گفت: «کودکان در شب پانزدهم ماه مبارک رمضان با آهنگ و ریتم اشعاری مانند گرگیعان و گرگیعان الله خلیکم رضعان با شادی و هیجان برای گرفتن عیدی خود به طرف در خانه ها می روند و تا پاسی از شب به برپایی جشن می پردازند. عرب های کویت و حاشیه خلیج فارس همانند خوزستانی ها این مراسم را برای کودکان خود باشکوه برگزار می کنند».

و در آخر این که این جشن به غیر از استان های بوشهر و خوزستان در شهر بندرعباس نیز انجام می‌شود. البته این روزها، آیین جشن گره گشو یا گرگیعان که جزو اصیل ترین رسوم مردم کشورهای مسلمان و شیعه است، رو به فراموشی می‌رود. امیدواریم که مسئولان فرهنگ و آموزش اهمیت بیشتری به این آداب و میراث سنتی بدهند و این گره کور را به دستان خود بگشایند.

خسارت ۶ میلیارد ریالی صیادان بندر دیر جبران می‌شود

فرماندار شهرستان دیر با اشاره به خسارت به شناورهای بندر دیر به سبب مد شدید دریا گفت: تمام تلاش دستگاه‌های اجرای برای جبران خسارت ۶ میلیارد ریالی و پیشگیری از وقوع چنین حادثه‌ها است.

وی با اشاره به خسارت ۶۰۰ میلیون تومانی صیادان در اثر مد شدید دریا در بندر دیر خاطر نشان کرد: درحال پیگیری از سوی ستاد بحران و دیگر مسئولان استانی و کشوری هستیم تا خسارات وارده به ۱۵ قایق را جبران کنیم.

خانلری و شعر نیما یوشیج

ناصر علیخواه



خانلری می گوید: نیما با کتاب «مختصات آثار» نیما شد؛ او اصرار داشت تا همه او را به عنوان «رسول تجدد در شعر» قبول کنند. اما این بلندپروازی بیشتر ریشه در کینه ای داشت که او را نسبت به شعر کهن فارسی از خود نشان می داد، برای سنت شکنی باید با سنت آشنا بود. نیما یک چیز را به خوبی دریافته بود؛ و آن این که از راه شاعری کلاسیم نمی تواند به جایی برسد، به قول معروف فهمیده بود، که این کلاه برای سر او گشاد است. درد را تشخیص داده بود، پیش از او هم شاعران عصر مشروطه این احتیاج را به تحول موضوع و شاید حتی قالب فارسی را احساس کرده بودند، اما نیما بدون آشنایی با موازین موسیقی شعر شروع به شکستن قالب شعر فارسی کرد، نیما دارای تحلیلی وسیع و گسترده اما وحشی و تربیت نشده است، خود او در عمل نتوانسته آن چه را که فکر می کند پیاده کند.

نیما این مشکل را دارد که زبانش بر قالب شعرش استوار نمی شود. درست بریدن وزن را از گل چین گیلانی بدون ادعای تئوری شعر در سال هایی که نیما این کار را شروع کرده بود، شکستن وزن اگر از روی قاعده باشد امری قابل قبول است. در این شکستن وزن، تولایی از همه هوشیارتر بوده است. بعد از آن نادر نادرپور وسایه هر دو در این کار با نهایت دقت و هوشیاری عمل کرده اند.

نادرپور از باب به کار گرفتن کلمات شسته و رفته و تراش خورده ای که به الماس می ماند، و سایه که مایه غزل و ادب کهن فارسی را خیلی خوب دارد در اوزان شکسته با کلامی روشن مقصودش را می رساند. یکی از شعرهایش را که من خیلی می پسندیدم شهری است به نام «شب گیر»، در این شعر حساب بریدن را درست اجرا کرده و هر بریده را با مهر قافیه محکم ساخته به نحوی که شعر به یاد شما می ماند. شعری که نتوان از بر کرد و دوباره خواند پای شعرش کوتاه است و شکسته، شعر نیمایی را نمی توان یا اگر بتوان به زحمت می توان به خاطر سپرد.

پی نوشت: ۱- صفحه ۳ ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات ۲۶ آذر ماه ۱۳۹۰ - شماره ۲۵۱۹۴

۲-برگرفته از کتاب: «نقد بی غش، گفت و گوی دکتر خانلری با صدرالدین الهی»

کتابخانه تاریخی مصلحیان بوشهر مرمت می‌شود

ایسنا/بوشهر مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان بوشهر از مرمت کتابخانه تاریخی مصلحیان در استان خبر داد.

وی گفت: کتابخانه مصلحیان یکی از قدیمی‌ترین کتابخانه‌ها در استان است و با توجه به اهمیت این مجموعه از حیث تاریخی و فرهنگی، نیازمند مرمت و احیا بود که در دستور کار قرار گرفت.

وی اضافه کرد: معماری این کتابخانه همسو با دیگر بناهای تاریخی بندر بوشهر است که از مصالح محلی برای ساخت آن استفاده شده و با گذشت زمان سقف این مجموعه دچار آسیب شده است. برآورد هزینه مرمت قسمت‌های آسیب دیده انجام شد. با توجه به بررسی اولیه این بنا، با همکاری فرمانداری شهرستان بوشهر در کمترین زمان ممکن نسبت به مرمت آن اقدام خواهد شد.

nasimjonoub.com

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

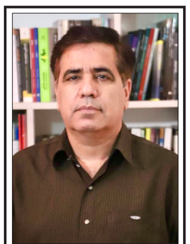
هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



دست از تحقیر دانش آموزان بردارید



یونس قیصی زاده

صف مدرسه است و دانش آموزان بعد از مدت‌ها با وجود خطر ابتلا به کرونا، به اجبار به مدرسه آورده شده‌اند. طبق معمولِ تفکر پادگانی، در همین شرایط وخیم هم باید دانش آموزان در صف صبحگاهی به خط شوند تا خدشه‌ای به نظام آموزش و پرورش وارد نیاید. بچه‌ها هیجان‌زده از دیدن همکلاسی‌ها، ناگهان می‌بینند که یکی از مدیران مدرسه عصبانی در حال قیچی زدن به موهای دانش آموزانی است که زیبا بر سر آنها نشسته است. (این فیلمی است که این روزها در فضای مجازی پخش شده است).

- حس تملک بر جسم و ذهن و افکار دانش آموزان در مدرسه توسط برخی از دست اندرکاران تعلیم و تربیت از مدیر و ناظم تا معلم و... تفکر مخرب و قدیمی سیستم آموزشی است که گویا چون دانش آموزان برای درس خواندن به مدرسه آمده‌اند پس می‌توان با توسل به هر وسیله و ابزار حتی تنبیه کردن با چوب و مشت و لگد تا سرکوفت و تحقیر و از بین بردن عزت نفس، بر آنان حکم راند و طبق نظری که خودشان دارند آنها را تعلیم داد و باب سلیقه خود تربیت کرد.

- در فیلم «آژانس شیشه‌ای» از حاتمی کیا، ماموری که برای آزادی گروگان‌ها به داخل آژانس مسافرتی آمده (با بازی رضا کیانیان) در درگیری لفظی با حاج کاظم؛ معترضی که دفتر هواپیمایی را برای رسیدن به مطالبه‌اش اشغال کرده (با بازی پرویز پرستویی) می‌گوید: «دهه‌ات گذشته مربی، اگه اون اسلحه دستت نباشه کی به حرف تو گوش می‌ده؟»

الان هم دانش آموزان به چنین مدیران و معلمانی می‌گویند: «دهه‌های شما گذشته مربی، اگه نمره توی دستان شما نباشه کی به حرفای شما گوش میده؟»

-کی می‌خواهید به تحقیر فرزندان این مملکت در نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی پایان دهید؟ تا کی می‌خواهید به واسطه نمره‌ای که همانند شمشیر در دست گرفته‌اید، عزت نفس این فرزندان را پایمال کنید؟

- وقتی که پسرم هنوز دانش آموز بود، یک روز با ناراحتی به خانه آمد و تعریف کرد که مدیر سخت‌گیر مدرسه، سر صف همکلاسیش را تنبیه نموده که این مدل مو، مناسب یک دانش آموز نیست (و حتما نظام آموزش و پرورش کشور را زیر سوال می‌برد!)و همین الان باید برود موهایش را دانش آموزی کوتاه کند.

هرچه دانش آموز التماس کرده بود که امشب عروسی دائی‌ام هست و فردا کوتاه می کنم، به خرج مدیر نرفته بود و دانش آموز با گریه، برای کوتاه کردن موهایش از مدرسه بیرون انداخته شده بود.

همه ما این این نمونه تحقیرها، توهین‌ها و تنبیه‌ها و... را در ایام مدرسه سراغ داریم، کما این که پدران و مادران ما هم سراغ داشتند و متاسفانه امروز فرزندان ما نیز همچنان گرفتار این تفکرات مخرب هستند.

- چه کسی می‌خواهد لطماتی که در دوران تحصیل تحت عنوان تعلیم و تربیت بر روان و ذهن و جسم فرزندان این کشور وارد می‌آید را جبران کند؟

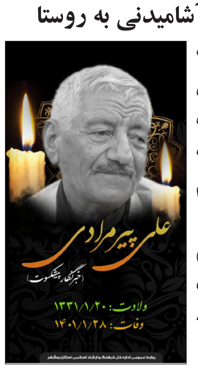
تا کی فرزندان باید همانند پدربزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و پدرها و مادرهایشان در معرض تنبیه و تحقیر قرار بگیرند؟

چند نسل از این کشور باید این گونه سوزانده شوند و با روان آسیب دیده بزرگ شوند؟

شماهایی که قیچی به دست یا چوب در دست گرفته‌اید و فکر می کنید حق دارید برای دیگران خوب و بد زندگی را دیکته کنید، کی خواهید فهمید که هر انسانی حق دارد برای خودش تصمیم بگیرد. فکر نکنید با زدن قیچی بر موهایشان، چوب بر دستانشان و سیلی به صورتشان، می‌توانید آنها را مطیع کنید و به جای آنها تصمیم بگیرید تا باب میل شما زندگی کنند.

- متاسفانه برخوردهای ناشایست همین افراد محدود باعث خدشه وارد آمدن به چهره معلمان و جامعه فرهنگی و آموزش و پرورش می‌شود که دلسوزانه و با سختی‌ها و مشکلات بسیار، خدمتگزار علم و دانش و آینده‌سازان کشور در مدارس هستند.

علی پیرمرادی، از خبرنگاری تا مدرسه سازی و لوله کشی آب آشامیدنی به روستا



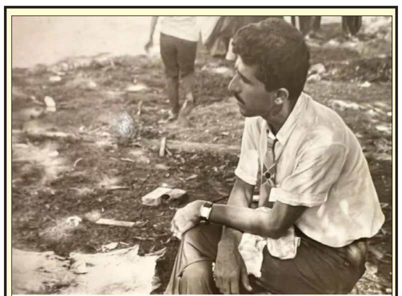
علی پیرمرادی زیارتی هستم متولد ۱۳۳۱ در آبادان ولی اصالتاً از روستای زیارت شهرستان دشتستان هستم و بزرگ شده برازجان در محله قلعه و در سن ۸ سالگی نزد عموی پدری‌ام شیخ محمد شیخی‌زاده به کارگری مشغول شدم و بعد از ۴ سال در ۱۲ سالگی به روزنامه فروشی سیار مشغول شده روزنامه کیهان و اطلاعات می‌فروختم و بعدها روبه روی دژ برازجان کنار کافه علی بابا دکه مطبوعاتی داشتم و کم کم شروع به کار خبرنگاری کردم.

با مجله صبح امروز اولین نشریه ای بود که در سال ۱۳۴۳ شروع به همکاری کردم و بعدها با نشریه آیندگان در سال ۱۳۴۷ ادامه دادم و سالهاست که با اکثر نشریات، مجله ها و روزنامه های استانی و کشوری همکاری کرده‌ام و همچنان ادامه داشته است.

علی پیرمرادی درباره خاطره جالبی که در زندگی‌اش پیش آمده بود این چنین تعریف کرد : در سال ۵۵ در قرعه کشی اعانه ملی (بخت آزمایی) یک ساختمان ۴ طبقه در خیابان آفریقای تهران به ارزش ۷۰۰ هزارتومان و دو عدد بلیط دیگر به ارزش ۲۰۰ هزار تومان که جمعاً ۹۰۰ هزار تومان می‌شد برنده شدم. به تهران رفتم و خانه را فروختم با کلی پول به برازجان برگشتم.

بعد از برگشت از تهران در محله حسین آباد برازجان به این فکر افتادم که مدرسه ای بسازم دانش آموزان وقتی که مدرسه‌ای در نزدیکی خانه‌شان نبود باید حتما مسافت طولانی برای درس خواندن به منطقه‌های دیگر برازجان می‌رفتند و در حین عبور از خیابان حوادثی برایشان رخ می داد تا برای ساخت مدرسه مصمم تر بشوم. زمین مدرسه را مرحوم حاج سید باقر حسینی راهداری اهدا کرد و هزینه کامل ساخت آن را پرداخت کردم تا مدرسه بنام پیرمرادی نامگذاری شد که بعدها تغییر نام داده شد و به نام مدرسه اندیشه ادامه دادند. از همان پول برای لوله کشی آب آشامیدنی به روستای زیارت هزینه کردم.

پیرمرادی پیر با چهره ای خوشحال و مهربان ادامه داد: همیشه از خداوند می‌خواستم دارایی هایی که به من عطا می کند در راه خودش خرج کنم و امروز از این که لایق این بودم که کارهایی این گونه رو انجام دادم بسیار خوشحالم. (اطلاع رسانی برازجان)



یادگاری

...

روزی که به میعاد نیامدی
به سایه‌ی تلخ این سدرِ کهنسال
نگران جهت‌ها نشدم
نه هیس هیس بیشه پریشانم کرد
نه مویه گزها
کله گرفته
از هجوم تشباد
رنگ برشته‌ی گندمزار
و بوی گرمسیری کُنار رسیده
غریزه بی‌قرارم را برتَاباند
و اشتیاق کشمکشی از جگر
به پنجه‌ها شراره جهاند
چه کسی آمده است و کی به یاد می‌آورد؟
وسوسه بیهوده‌ای
هر از چندمان به سایه می‌کشاند
تا یاوگی افق‌ها را
آرایه‌ای از خیال برآویزیم
به سایه شیرین سدُر
در بوی گرمسیری کُنارِ رسیده می‌پیچم
همین کافی است
و افق‌ها را به نیشخند زخمه می‌زنم
پس به خنجر سوزانی
تصویری حک می‌کنم به درخت
و کرکسی بر آن می‌گمارم
به رسم یادگاری.

...

منوچهر آتشی
دفتر گندم و گیلاس - عکس از آلبوم رسول آتشی

دانش آموزان هم حقوقی دارند



دکتر عبداله آورا: چیدن موهای دانش آموزان در مدرسه به نظر آن کسی که مجری آن بود، شاید خیلی کار بدی نبود ولی ایشان و امثال ایشان یک نکته را نمی‌دانند و نمی‌توانند درک کنند و آن اینکه «هر انسان حقوقی دارد و نباید به آن‌حقوق و به حریم او تعرض شود»، این موضوع را افراد کج فهم نمی‌توانند درک کنند و حتی با اسید پاشی و کتک زدن و.... بدیهی‌ترین حقوق مردم را نادیده می گیرند. حتی قانونگذارانمان هم این مساله را به خوبی درک نمی کنند و مثلا برای شخصی‌ترین مسائل زندگی افراد هم سعی می کنند با وضع قوانین، تعیین تکلیف کنند (بچه دار شدن یا نشدن! این که چه سایتی را مردم ببینند و چه سایتی را نبینند! چه پیام‌رسانی را استفاده بکنند و کدام را استفاده نکنند و ...)، برای درک حقوق انسانی افراد و احترام به آن حقوق، تلاش کنیم تا جامعه مان زودتر پیشرفت کند. هیچ جامعه‌ای بدون احترام به حقوق اولیه انسان پیشرفت نمی کند.

حقوق خود را بشناسیم و در مقابل افراد ضایع کننده حقوق خود و دیگران سکوت نکنیم. سکوت در مقابل از بین بردن حقوق دیگران، کل جامعه را به سمت خرابی و ظلم حرکت می‌دهد.

«علی پیرمرادی» خبرنگار پیشکسوت استان بوشهر درگذشت



«علی پیرمرادی» پیر عرصه رسانه و خبرنگار پیشکسوت استان بوشهر و دشتستان در سن ۷۰سالگی بر اثر سکته قلبی درشهر برازجان دارفانی را وداع گفت.

به گزارش ایرنا، علی پیرمرادی متولد ۲۱ فروردین ۱۳۳۱ شهر آبادان است که در سن نوزادی به همراه خانواده اش به روستای «زیارت» دشتستان مهاجرت کرد. پیرمرادی در سن ۱۲ سالگی پا به عرصه مطبوعات گذاشت و از سال ۱۳۴۳ کار مطبوعاتی خود را در شهر برازجان با روزنامه فروشی و کار با روزنامه های اطلاعات و کیهان شروع کرد و بیش از نیم قرن به کار خبرنگاری و روزنامه نگاری و همکاری با نشریات و رسانه ها، هفته نامه های استانی و محلی مشغول بود.

این خبرنگار متعهد و بی ادعا همواره در انتشار و انعکاس اخبار رویدادها و وقایع و مشکلات جامعه استان بوشهر و شهرستان دشتستان کوشید و شامگاه یکشنبه ۲۸فروردین ماه ۱۴۰۱ بر اثر سکته قلبی درگذشت.

پیام تسلیت استاندار بوشهر در پی درگذشت خبرنگار پیشکسوت

استاندار بوشهر درگذشت علی پیرمرادی خبرنگار پیشکسوت، مردمی و نام آشنا استان و شهرستان دشتستان را تسلیت گفت. احمد محمدی‌زاده در پیامی در گذشت علی پیرمرادی به خانواده ارجمندش، فعالان عرصه رسانه، پیشکسوتان و عموم مردم استان بوشهر و شهرستان دشتستان تسلیت گفت. در این پیام آمده است:

انا لله و انا الیه راجعون

ضایعه تأسف حزن‌انگیز و تلخ درگذشت ناگهانی خبرنگار پرتلاش و متعهد استان موجب تأثر و تأسف فراوان شد. علی پیرمرادی خبرنگار مردمی استان بوشهر که سال‌ها در عرصه خبرنگاری بدون هیچ چشم داشتی با عشق حقیقی در راستای پیگیری مطالبات و حقوق مردم قلم فرسایی می کرد در یکی از ماه‌های با عظمت و با فضیلت خداوند متعال ماه مبارک رمضان دعوت حق را لبیک گفت.

بی شک خدمات ارزشمند و تلاش برجسته این بزرگوار در عرصه رسانه استان هیچگاه از ذهن و قلب مردم پاک نخواهد شد.

اینجانب درگذشت این تلاشگر عرصه خبر را به خانواده محترم و همکارانش در مطبوعات و خبرگزاری‌های استان تسلیت می گویم و از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسالت می کنم.

محمدی زاده - استاندار بوشهر